

اثر بخشی «آموزش معنویت» بر «سازگاری زناشویی زوجین»

حمیدرضا عرب بافرانی*
دکتر محمدباقر کجیاف**
دکتر احمد عابدی***
سعید حبیب‌الهی****

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی تأثیر «آموزش معنویت» بر «سازگاری زناشویی زوجین» مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان بود. روش پژوهش، شبه تجربی بوده بدین منظور ۳۰ زوج مراجعه کننده به مراکز مشاوره به روش داوطلبانه انتخاب شدند و به روش جایگزینی تصادفی در دو گروه قرار داده شدند (یک گروه کنترل و یک گروه آزمایش)؛ به گروه آزمایش آموزش معنویت توسط محقق داده شد. ابزار پژوهش در این تحقیق «پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپاینر» می باشد. تجزیه تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی صورت گرفت. مقایسه میانگین نمرات پس آزمون سازگاری زناشویی در گروه‌های مورد مطالعه و تحلیل کوواریانس نمرات آزمون سازگاری زناشویی نشان داد، بین گروه آزمایش و گروه کنترل در تمامی خرده‌مقیاس‌ها، تفاوت معناداری وجود دارد. و معلوم شد که «سازگاری زناشویی» بر اثر «آموزش معنویت» افزایش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: سازگاری زناشویی، زوجین، معنویت، روان‌شناسی خانواده.

* دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه اصفهان (این مقاله مستخرج از پایان‌نامه می‌باشد).
Email: arabhamidreza42@yahoo.com

** دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

*** استادیار گروه روان‌شناسی کودکان با نیازهای خاص، دانشگاه اصفهان

**** دانشجوی دکتری واحد علوم تحقیقات اهواز

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۱۷ تاریخ تأیید: ۹۱/۱۲/۶

عقدمه

خانواده نخستین و مهم‌ترین واحد زیستی انسان در جوامع گوناگون بشری است. فضای عاطفی، ارزش‌های اساسی و چگونگی ارتباطات حاکم در خانواده بر نحوه شکل‌گیری استوانه‌های شخصیتی اعضای آن تأثیرات ژرف و پایدار دارد. خانواده ضمن آنکه به عنوان یک سیستم کنشی بسته از استقلال نسبی در برابر محیط پیرامونی برخوردار است، در ارتباط دائم و تأثیرپذیری متقابل با آن نیز به سر می‌برد. در دوران گذشته تشکیل یک خانواده نویناد، حلقه‌ای از دایره ارتباطی فراگیر یعنی خانواده گسترده به شمار می‌رفت اما خانواده هسته‌ای امروز بر محور رابطه زوجین استوار گردیده است و این زوجین هستند که باید راهکارهای غلبه بر بحران را در فرایند گفت‌وگو و ارائه راهکارهای عملی بیابند (پیرمرادی، ۱۳۷۹). بنابراین سازگاری در خانواده از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد، چون یکی از رایج‌ترین مفاهیم برای تعیین میزان شادی و پایداری رابطه، رضایت و سازگاری زناشویی است. سازگاری زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساس خوشبختی و رضایت از همدیگر دارند (احمدی، ۱۳۸۴). روابط رضایت‌بخش در بین زوجین از طریق علاقه متقابل، میزان مراقبت از همدیگر و پذیرش و تفاهم با یکدیگر قابل سنجش است. در واقع سازگاری زناشویی یک ارزیابی کلی از وضع فعلی ارتباط آرایه می‌دهد. این مؤلفه یک فرایند تکاملی است که در طول زندگی زوجین به وجود می‌آید و لازمه آن انطباق سلیقه‌ها، شناخت صفات شخصی، ایجاد قواعد رفتاری و شکل‌گیری الگوهای مرادده‌ای است (اولیاء، ۱۳۸۵). سازگاری زناشویی به سازگاری کلی فرد کمک می‌کند، یعنی همسرانی که از سازگاری زناشویی بالایی برخوردارند، عزت نفس بیشتری دارند و در روابط اجتماعی سازگارترند. سازگاری زناشویی نتیجه فرایند زناشویی و شامل عواملی مانند ابراز محبت و عشق همسران، احترام متقابل، روابط جنسی، تشابه نگرش و چگونگی ارتباط و حل مسأله است. دیدگاه‌های مختلف روان‌شناسی به شیوه‌های مختلف به تبیین این مؤلفه پرداخته و علل ناسازگاری را بیان نموده‌اند و برای بهبود سازگاری زناشویی تلاش می‌کنند. رویکرد روان‌تحلیلی برای بهبود سازگاری زناشویی تلاش می‌کند تا الزام‌ها و تحکم‌های بن و فرامن را تعدیل کند و از سوی دیگر درمان‌گرانی که گرایش راهبردی دارند ناسازگاری زناشویی را بیشتر به واسطه نحوه

ارتباط زوج‌ها با یک‌دیگر می‌دانند و به همین دلیل در تعاملات رفتاری اهمیت بسیاری برای پردازش اطلاعات قائل می‌شوند (الیس^۱، ۱۳۷۵). با توجه به موارد بالا عوامل اجتماعی، اقتصادی، شخصی، شناختی، مذهبی و... فراوانی وجود دارند که در رضایت و سازگاری زناشویی زوج‌ها دخیل بوده و در این میان معنویت در بین زوجین یکی از ارکان اصلی زندگی سعادت‌مندانه است و رضایت و سازگاری زناشویی را افزایش می‌دهد.

آموزه‌های معنویت در حوزه‌ی مهارت‌های زندگی از جایگاه مهمی برخوردار بوده و رضایت از زندگی در تکامل معنوی را تأمین می‌نماید. این آموزه‌ها شامل شیوه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری بوده که به نیازهای انسان اعم از، مادی، معنوی، شناختی، عقلائی و عاطفی پاسخ می‌دهد.

معنویت به باورها و اعمالی نسبت داده می‌شوند که بر این فرض قرار دارند که ابعاد متعالی (و نه جسمانی) در زندگی وجود دارد که انسان را در ارتباط خصوصی و صمیمی با خداوند قرار داده و دامنه‌ای از فضیلت‌ها را در او شکل می‌دهد (سلیگمن^۲، ۲۰۰۲).

یونگ در زمینه معنویت می‌گوید: «هم‌چنین ایمان، اطمینان و امید را در شخص قوت بخشیده و ویژگی‌های اخلاقی و معنوی را در فرد و اجتماعات استحکام می‌بخشد و برای انسان پایگاه بسیار مهمی در مقابل مشکلات، مصائب و محرومیت‌های زندگی ایجاد می‌کند. یونگ با تأیید واقعیت روانی نیاز معنوی یا مذهبی در نوع انسان می‌گوید: رنج هر فرد روان‌رنجور را در نهایت می‌باید به عنوان رنجی برای روح او به شمار آورد که هنوز معنای خود را در نیافته است. یونگ معتقد است که روان‌رنجوری‌های انسان دارای عللی در گذشته و هم در حال است و گرنه این روان‌رنجوری‌ها فعال نمی‌ماندند. یونگ نتیجه می‌گیرد که: «مشکل مذهبی که مراجع برای من توضیح می‌دهد می‌توان هم دلیل احتمالی و هم دلیل واقعی برای روان‌رنجوری او به حساب آورد»، (یونگ، ۱۹۵۸ به نقل از وست ۱۳۸۷).

در روایات مختلف نیز آمده که پیشوایان بزرگ، هنگامی که با بحران‌ها و مشکلات

1. Ellis.

2. Seligman.

عظیم روبه‌رو می‌شدند در پرتو عبادت باری تعالی به آرامش و رضایت خاطر دست می‌یافتند، تنها در این صورت است که فطرت انسان آرام می‌گیرد و به لذت غیرقابل وصف نایل می‌شود.

بدون ایمان به خدا، انسان در این جهان مادی محدود می‌باشد، ولی با ایمان به خدا، به منبع علم، حکمت، قدرت، عزت، لطف و رحمت بی‌انتهای او متصل شده، به طوری که همه چیز را، از او می‌طلبد و از هیچ‌کس و هیچ‌چیز نگرانی و اضطرابی ندارد. از این رو امام صادق (ع) فرمود، خداوند ایمان را امنیتی برای انسان قرار داد، که اگر در قلعه کوهی تنها باشد، ترس و وحشتی نداشته باشد (مجلسی، ۱۳۷۶).

براساس ایمان به خدا، دلهره، نگرانی و نارضایتی که بسیاری از انسان‌ها در معرض ابتلای به آن هستند، کاهش یافته و یا از بین می‌رود. توجه به زندگی مادی بر جهان سیطره داشته و رقابت شدیدی برای بدست آوردن مادیات بر مردم حکومت می‌کند. در صورتی که توجه به نیازهای روحی در همین زمان بسیار محسوس‌تر است. همین گرایش به مادیات و رقابت در تملک آنها باعث فشار روحی بر انسان معاصر و سردرگمی او شده و او را در معرض تهاجم نگرانی‌ها، ناامیدی‌ها و بیماری‌های مختلف روانی قرار داده است.

از دیدگاه دین اسلام، یگانه چیزی که می‌تواند نیاز به آرامش را در انسان برآورده کند و انسان را از دست تنش‌های روزمره رها نماید، یاد خداست. علامه طباطبایی این مسئله را این‌گونه تبیین می‌کند که تلاش انسان، دستیابی به سعادت و ایمنی از بدبختی است. انسان در این راه به هر وسیله‌ای که دست‌رسی داشته باشد چنگ می‌زند، ولی همه این وسایل و اسباب، اگر از یک جهت غالب و توانا باشند؛ از جهت دیگری مغلوب و ناتوانند، جز خداوند متعالی که توانای مطلق است و ناتوانی در او راه ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۶). یافته‌های مختلفی نقش معنویت را در سازگاری زوجین نشان داده‌اند. در پژوهشی احمدی نوده و همکاران (۱۳۸۵) با بررسی ۱۳۲۰ نفر (۶۶۰ زوج) ساکن استان تهران به این نتیجه دست یافتند که میزان سازگاری زناشویی در میان افرادی که تقیدات مذهبی زیادی دارند به طور معناداری بیش از کسانی است که تقیدات مذهبی کمی دارند. هاشمیان و امیری (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان رابطه عمل به باورهای دینی و میزان صمیمیت زنان دانشجوی تهرانی با همسران‌شان به این نتیجه

رسیدند که همبستگی مثبت و معناداری بین میزان عمل به باورهای دینی و میزان صمیمیت، توافق، صادق بودن، علاقه و محبت و پایبندی به تعهدات وجود دارد. به این معنا که هر چه میزان عمل به باورهای دینی در زنان دانشجو بالاتر بوده آنها صمیمیت بیشتری را (با توجه به شاخص‌های موجود) با همسران خود تجربه کردند.

فیلسینگر و ویلسون^۱ (۱۹۸۴) در پژوهشی که روی دویست و هشت زوج از هشت کلیسای مختلف پروتستان انجام دادند به این نتیجه رسیدند که مذهب در مقایسه با سایر متغیرها، به واسطه رهنمودهایش، تأثیر بسزایی در سازگاری زناشویی دارد. همچنین در پژوهشی دیگر گرانر^۲ (۱۹۸۵) اثر عمل به باورهای دینی و عبادی بر سازگاری زناشویی را در دو نمونه متشکل از ۲۰۸ زوج که به طور مساوی از چهار گروه دینی انتخاب شده بودند را بررسی نمود. نتایج تحقیق وی نشان داد ارتباط معینی بین این باورها و سازگاری زناشویی وجود دارد. در پژوهشی دیگر، جانسون^۳ و همکاران (۱۹۹۹) در پژوهش خود دریافتند که دین‌داری و اعتقادات مذهبی عمدتاً با تعهد اخلاقی زوجین همبستگی بالایی دارد به نظر می‌رسد که اعتقادات مذهبی و گرایش به معنویت از طریق فراهم‌سازی حمایت مذهبی باعث تقویت و تحکیم تعهد اخلاقی زوجین در ازدواج می‌گردد. مارش و دالاس^۴ (۲۰۰۱) در تحقیق خود نشان دادند اعتقادات و باورهای مذهبی اثر بالقوه‌ای بر روی کنترل خشم در وقایع استرس‌زای زندگی و تعارضات خانوادگی دارد. و ارتباط با خدا فاصله‌ای را که بین زوجین وجود دارد پر می‌کند در نتیجه ارتباط بین روابط زناشویی و ارتباط با خدا وجود دارد. سالیوان^۵ (۲۰۰۱) نشان داد که معنویت تأثیر مثبتی بر روابط زناشویی داشته ولی با این حال این تأثیر در سال اول زندگی اندک بوده و میزان آن در سال‌های بعدی بیشتر می‌باشد. مک نلتی^۶ (۲۰۰۴) نشان داد که معنویت تأثیر قابل‌توجهی بر سازگاری زناشویی دارد و از آن می‌توان در کارهای بالینی و مشاوره‌ای استفاده نمود. در پژوهشی

1. Filsinger & Wilson.

2. Gruner.

3. Johnson.

4. Marsh.

5. Sullivan.

6. McNulty.

دیگر لارسون و السون^۱ (۲۰۰۴) نتیجه گرفتند بین معنویت و جنبه‌های مختلف کارآمدی ازدواج رابطه وجود دارد. با توجه به آنکه معنویت یکی از جنبه‌های وجودی انسان است و همچنین گرایش‌های معنوی و اخلاقی یکی از ظرفیت‌های ایجاد تغییر در انسان است، این پژوهش به بررسی اثربخشی آموزه‌های معنویت بر سازگاری زناشویی می‌پردازد

روش

طرح تحقیق در این پژوهش شبه‌آزمایشی و از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل می‌باشد.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره اصفهان به دلیل مشکلات مربوط به سازگاری (مدت ۴ ماه) در سال ۱۳۹۰ بودند. نمونه این پژوهش ۳۰ زوج (۶۰ نفر) از میان زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره دولتی و غیردولتی اصفهان بود. معیار ورود به این تحقیق سن ۲۵ تا ۴۵ و حداقل ۶ ماه زندگی مشترک بوده است این افراد به صورت داوطلبانه انتخاب شدند و سپس به صورت تصادفی در یک گروه آزمایش و یک گروه کنترل (هر گروه ۱۵ زوج) گمارش شدند.

ابزار پژوهش

پرسشنامه سازگاری زناشویی

جهت بررسی سازگاری زناشویی از پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپاینر^۲ استفاده می‌شود. که شامل یک پرسشنامه خودسنجی ۳۲ سؤالی است و برداشت‌های افراد در مورد سازگاری زناشویی از آن استخراج می‌شود. نمرات این پرسشنامه از صفر تا ۱۵۱ متغیر است که کسب نمرات بیشتر یا برابر ۱۰۰ به معنای سازگاری افراد و نمرات کمتر

1. Larson & Olson.

2. Spainer.

از ۱۰۰ به معنای وجود مشکلی در روابط زناشویی و عدم سازگاری و تفاهم خانوادگی است. مطالعات مربوط به پایایی^۱ و روایی این مقیاس همواره مثبت بوده است. اسپاینر (۱۹۷۸) پایایی ۰/۹۶ را از طریق ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس به دست آورد و همچنین ملاک اعتبار بالایی را برای این پرسشنامه گزارش کرده است.

در تحقیقی که توسط شارپلی^۲ و کروس در سال ۱۹۸۲ انجام شد ضریب پایایی ۰/۹۶ به دست آمد که این کاملاً با نتایج اسپاینر مشابه بود. شارپلی و کروس استفاده از این مقیاس را توصیه کرده‌اند؛ زیرا پایه‌های روان‌سنجی آن در مقایسه با سایر مقیاس‌ها بسیار پیشرفته‌تر است (حسن‌شاهی، ۱۳۷۸)

پایایی به دست آمده توسط حسن‌شاهی (۱۳۷۸) با استفاده از روش تصنیف ۰/۹۶ و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ برآورد شد. حسن‌شاهی روایی بالایی نیز برای این مقیاس گزارش نموده است.

پرسشنامه جمعیت‌شناسی: سن، تحصیلات، تعداد، اعضای خانواده

شیوه اجرا

گروه آزمایش هشت جلسه آموزش دیدند و گروه کنترل آموزشی ندیدند. پس از توافق کلی، جلسات آموزش برای گروه آزمایش توسط محقق برگزار گردید. در هر جلسه محتوا و نکات جلسه قبلی به اختصار مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت و سپس محتوای جلسه جدید آموزش داده شد. در تمامی جلسات ضمن ارتباط متقابل بین افراد و محقق، آموزش لازم ارائه گردید. این جلسات هر هفته یک جلسه و به مدت ۲ ساعت تشکیل شده و برای هر هفته تکالیفی در رابطه با آموزش داده می‌شد. در نهایت پس از اتمام آموزش‌ها، برای هر دو گروه، پس‌آزمون لازم اجرا شد. سر فصل محتوای جلسات آموزشی در ذیل ارائه شده است.

1. Reliability.
2. Sharply.

خلاصه جلسات آموزش معنویت

جلسه اول

برقراری رابطه صمیمانه، ایجاد امید و دلگرمی، پرداختن به شکایت اصلی مراجعان، درک هم‌دلانه از مشکل و تسهیل بیان عواطف، آموزش و تمرین تصویرسازی ذهنی مثبت به خدا.

جلسه دوم

ایجاد ارتباط با جلسه قبل، بررسی بازخورد مراجعان، آموزش و تمرین خودنگری، ایجاد هوشیاری نسبت به درک (در محضر خدا بودن) پرداختن به اولین پیش‌فرض انسان معنوی (واقعیت نجات‌بخش است) و پیش‌فرض دوم انسان معنوی (احساسات خوشایند و ناخوشایند وابسته به پدیده‌ها و اشیاء نیستند بلکه وابسته به نگرش‌ها و احساسات درونی انسان است) و همچنین ارائه تعریفی از روابط صمیمانه و اهمیت آن در زندگی معنوی انسان‌ها.

جلسه سوم

مرور تکالیف جلسه قبل، شناخت جایگاه نظم در اداره و آرامش نظام هستی و انسان و تأکید بر نقش آن در تقوا و اداره آرام‌بخش زندگی با توجه به معنویت و پرداختن به پیش‌فرض سوم انسان معنوی (اصل عمل و اینکه انسان معمولاً بیش از آنکه گمان می‌کند، می‌تواند عمل کند) و پیش‌فرض چهارم (امور هستی قابل تقسیم‌اند به امور تغییرپذیر و تغییرناپذیر) و بحث در مورد رفتار، گفتار، روابط کلامی و غیرکلامی زن و شوهر و تأثیر آن در صمیمیت زوجین و نقش بخشش در زندگی زناشویی با توجه به پیش‌فرض سوم.

جلسه چهارم

بحث و گفتگو در مورد دعا و جایگاه آن در زندگی و تعالی انسان، بحث و گفتگو در مورد اینکه در دعا انسان به شناخت خود، خداوند، طرح درخواست‌های خود از

خداوند و طرح درخواست خداوند از خود به عنوان شکرگذاری و قدردانی می‌پردازد و پرداختن به پیش‌فرض پنجم زندگی معنوی (این جهان اخلاقی خلق شده است) و رعایت اخلاق در روابط با توجه به پیش‌فرض پنجم.

جلسه پنجم

مرور فرایند جلسات قبل و تعیین دستور کار جلسه، شناخت بحث و گفتگو در مورد توکل و امید به خداوند نسبت به مسائلی که در آینده با آن مواجه خواهیم شد. پرداختن به پیش‌فرض ششم زندگی معنوی (آینده به طور کامل در دست ما نیست)

جلسه ششم

بحث و گفتگو در مورد شناخت خداوند و ارتباط انسان با خداوند، تمرین و تولید باورها و نگرش‌های الهی و وحدت‌بخش، بررسی و بحث پیامدهای انگاره‌های معنادار معنوی در انسان و داشتن صبر در زندگی مقاومت در برابر مشکلات زندگی با توجه به اصل معنویت و پرداختن به پیش‌فرض هفتم زندگی معنوی (انسان معنوی تنها با دو «من» از من‌های موجود در زندگی روزمره انسان سرکار دارد).

جلسه هفتم

آموزش و تمرین حضور مؤدبانه و محترمانه در محضر خداوند و خلق خدا و پرداختن به پیش‌فرض هشتم زندگی معنوی (انسان معنوی با بودن‌ها و صفات خود زندگی می‌کند نه با داشته‌هایش) و پیش‌فرض نهم زندگی معنوی (رسیدن به زندگی معنوی نیازمند قربانی کردن، گذشت و بخشش و محبت ورزیدن است). و بحث در مورد حقوق زن و شوهر نسبت به هم، مسئولیت‌های متقابل زن و شوهر و فداکاری زن و شوهر در زندگی با توجه به پیش‌فرض نهم.

جلسه هشتم

جستجوی معنی از رنج‌ها و سختی‌ها و تفسیر صبر بر سختی‌ها و مصائب و پرداختن به پیش‌فرض دهم زندگی معنوی (زندگی معنوی نیازمند قربانی است).

یافته‌های پژوهش

در آغاز به بررسی میانگین و انحراف‌معیار نمرات سازگاری زناشویی زوجین در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل باید توجه کرد

جدول ۱. میانگین و انحراف‌معیار نمرات سازگاری زناشویی زوجین در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون در گروه کنترل و آزمایش

گروه	نوع آزمون	جنسیت			مردان			زنان			کل	
		میانگین	انحراف‌معیار	تعداد	میانگین	انحراف‌معیار	تعداد	میانگین	انحراف‌معیار	تعداد	انحراف‌معیار	تعداد
آزمایش	پیش‌آزمون	۱۱۲/۶۷	۱۶/۸۶	۱۵	۱۱۱/۴۶	۱۶/۲۲	۱۵	۱۱۲/۰۶	۱۶/۴۸	۳۰		
	پس‌آزمون	۱۲۰	۱۷/۴۶	۱۵	۱۱۹/۱۴	۱۶/۴۸	۱۵	۱۱۹/۵۷	۱۶/۹۱	۳۰		
کنترل	پیش‌آزمون	۱۰۸/۲	۱۷/۰۹	۱۵	۱۰۷/۷۳	۱۶/۲۳	۱۵	۱۰۷/۹۶	۱۶/۶۰	۳۰		
	پس‌آزمون	۱۰۷/۸	۱۷/۱۰	۱۵	۱۰۶/۷۳	۱۶/۲۷	۱۵	۱۰۷/۶۵	۱۶/۶۲	۳۰		

همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد میانگین برآورد شده نمرات پس‌آزمون سازگاری زناشویی زوجین در گروه کنترل در مردان ۱۰۷/۸ و انحراف‌معیار آن ۱۷/۱۰ و میانگین زنان ۱۰۶/۷۳ و انحراف‌معیار آن ۱۶/۲۷ می‌باشد و میانگین کل آن‌ها ۱۰۷/۶۵ و انحراف‌معیار آن‌ها ۱۶/۶۲ می‌باشد و میانگین برآورد شده نمرات پس‌آزمون سازگاری زناشویی زوجین در گروه آزمایش در مردان ۱۲۰ و انحراف‌معیار آن ۱۷/۴۶ و میانگین در زنان ۱۱۹/۱۴ و انحراف‌معیار آن ۱۶/۴۸ و میانگین کل ۱۱۹/۵۷ و انحراف‌معیار آن ۱۶/۹۱ است.

جدول ۲. نتایج آزمون لوین جهت بررسی تساوی واریانس‌ها در نمره کل سازگاری زناشویی

متغیر	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
سازگاری زناشویی زوجین	۰/۰۷۴	۳	۵۶	۰/۰۹۷۴

بر اساس جدول ۲ پیش‌فرض تساوی واریانس‌های نمرات در دو گروه آزمایش و کنترل تأیید گردیده است ($p=۰/۰۹$) با توجه به رعایت این پیش‌فرض تحلیل کوواریانس انجام شد و نتایج این تحلیل در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل کوواریانس مربوط به تأثیر معنویت بر نمره کل سازگاری زناشویی زوجین در دو گروه آزمایش و کنترل

شاخص‌های آماری منبع محاسبات	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	میزان تأثیر	توان آماری
پیش‌آزمون	۶۶۷۷۰/۷۸	۱	۶۶۷۷۰/۷۸	۱۰۹۵۴۹/۳۰	۰/۰۰۱	۰/۹۹۸	۱/۰۰
عضویت گروهی	۲۴۸۷۴	۱	۲۴۸۷۴	۴۰۸/۱۰	۰/۰۰۱	۰/۶۳۵	۱/۰۰۰
جنسیت	۰/۰۵۷	۱	۰/۰۵۷	۰/۰۹۳	۰/۷۶۱	۰/۰۰۰	۰/۰۶۱
تعامل گروه و جنسیت	۰/۸۳۳	۱	۰/۸۳۳	۱/۳۶۷	۰/۲۴۴	۰/۰۰۶	۰/۲۱۴

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود تفاوت بین دو گروه آزمایش و کنترل معنادار می‌باشد ($P \leq 0/001$) این نتیجه به این معناست که آموزش معنویت بر سازگاری زناشویی زوجین ($P \leq 0/001$) مؤثر بوده است. بنابر این فرضیه اول پژوهش مبنی بر تأثیر آموزش معنویت بر سازگاری زناشویی زوجین تأیید می‌شود. توان آماری ۱ بدست آمده و بدین معناست که در صورت تکرار تحقیق امکان تأیید فرض صفر به اشتباه، صفر است به عبارت دیگر، دقت آزمون در کشف تفاوت‌ها بالا است و نمونه تحقیق کفایت می‌کند براساس نتایج جدول بالا اثر متغیر مستقل جنس با مقدار $F=0/093$ و $p=0/761$ نمره کل سازگاری زناشویی زوجین معنادار نبود. بدین معنا که اثربخشی آموزش معنویت تحت تأثیر جنسیت قرار ندارد و تأثیر آن در زنان و مردان تفاوتی نداشته است. همچنین بین جنسیت و عضویت گروهی با توجه به مقدار $F=1/367$ و $p=0/244$ تعامل وجود ندارد و مقدار تغییرات تبیین شده در متغیر وابسته سازگاری زناشویی زوجین بعد از تعدیل میانگین‌ها تعامل جنس و عضویت گروهی $0/006$ با توان آماری برابر $0/214$ به دست آمده است. طبق یافته‌های جدول شماره ۱ میانگین نمرات زنان در گروه آزمایش در پس‌آزمون (۱۱۹/۱۴) و میانگین سازگاری زناشویی مردان (۱۲۰) است

جدول ۴. میانگین و انحراف معیار نمرات ابعاد سازگاری زناشویی زوجین در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل زن و مرد

ابعاد سازگاری	گروه	جنسیت		مردان			زنان			کل	
		نوع آزمون	میانگین	انحراف معیار	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تعداد
توافق دو نفری	آزمایش	پیش‌آزمون	۴۶/۸۷	۷/۹۱	۱۵	۴۵/۷۳	۸/۲۳	۱۵	۴۶/۳	۸/۰۷	۳۰
		پس‌آزمون	۴۹/۲۰	۷/۷۰	۱۵	۴۷/۶۷	۸/۰۸	۱۵	۴۸/۴۳	۷/۸۹	۳۰
	کنترل	پیش‌آزمون	۴۵/۶۰	۸/۴۵	۱۵	۴۴/۴۰	۹/۲۱	۱۵	۴۵	۸/۸۳	۳۰
		پس‌آزمون	۴۵/۲۰	۸/۳۳	۱۵	۴۴/۰۰	۹/۴۳	۱۵	۴۴/۶	۸/۸۸	۳۰
ابراز محبت	آزمایش	پیش‌آزمون	۷/۲۷	۲/۳۷	۱۵	۷/۵۳	۲/۲۹	۱۵	۷/۰۴	۲/۳۳	۳۰
		پس‌آزمون	۸/۲۰	۲/۳۰	۱۵	۹/۰۷	۲/۰۸	۱۵	۸/۳۳	۲/۱۹	۳۰
	کنترل	پیش‌آزمون	۷/۴۰	۲/۴۴	۱۵	۷/۴۰	۲/۱۹	۱۵	۷/۰۴	۲/۳۱	۳۰
		پس‌آزمون	۷/۲۷	۲/۴۹	۱۵	۷/۲۰	۲/۲۱	۱۵	۷/۲۳	۲/۳۵	۳۰
رضایت زناشویی	آزمایش	پیش‌آزمون	۳۹/۹۳	۴/۶۰	۱۵	۳۸/۸۷	۴/۸۲	۱۵	۳۹/۴	۴/۷۱	۳۰
		پس‌آزمون	۴۲/۴۷	۴/۸۶	۱۵	۴۱/۴۰	۵/۰۶	۱۵	۴۱/۹۳	۴/۹۶	۳۰
	کنترل	پیش‌آزمون	۴۰/۱۳	۴/۴۰	۱۵	۳۸/۶۰	۴/۸۰	۱۵	۳۹/۳۶	۴/۰۶	۳۰
		پس‌آزمون	۴۰/۴۰	۴/۵۷	۱۵	۳۸/۵۳	۵/۰۱	۱۵	۳۹/۴۶	۴/۸۹	۳۰
همبستگی دو نفری	آزمایش	پیش‌آزمون	۱۸/۶۰	۴/۵۱	۱۵	۱۹/۳۳	۴/۵۴	۱۵	۱۸/۹۶	۴/۵۲	۳۰
		پس‌آزمون	۲۰/۱۳	۴/۶۵	۱۵	۲۱/۰۰	۴/۵۳	۱۵	۲۰/۵۶	۴/۵۹	۳۰
	کنترل	پیش‌آزمون	۱۵/۰۷	۳/۹۷	۱۵	۱۷/۳۳	۴/۱۸	۱۵	۱۶/۰۲	۴/۰۷	۳۰
		پس‌آزمون	۱۴/۹۳	۳/۹۳	۱۵	۱۷/۰۰	۴/۲۷	۱۵	۱۵/۹۶	۴/۰۱	۳۰

طبق جدول ۴ میانگین نمرات پس‌آزمون توافق دو نفری در گروه آزمایش در مردان ۴۹/۲۰ و انحراف معیار آن ۷/۷۰ و در زنان میانگین ۴۷/۶۷ و انحراف معیار ۸/۰۸ می‌باشد. در بعد ابراز محبت میانگین در گروه آزمایش در پس‌آزمون در مردان ۸/۲۰ و انحراف معیار ۲/۳۰ و در زنان میانگین ۹/۰۷ و انحراف معیار ۲/۰۸ می‌باشد. در بعد رضایت زناشویی میانگین در گروه آزمایش در پس‌آزمون در مردان ۴۲/۴۷ و انحراف معیار ۴/۸۶ و در زنان میانگین ۴۱/۴۰ و انحراف معیار ۵/۰۶ و در بعد همبستگی دو نفری میانگین در گروه آزمایش در پس‌آزمون ۲۰/۱۳ و انحراف معیار ۴/۶۵ و در زنان میانگین ۲۱/۰۰ و انحراف معیار ۴/۵۳ می‌باشد.

جدول ۵. خلاصه نتایج تحلیل کوواریانس مربوط به نمرات ابعاد سازگاری زناشویی زوجین در دو گروه کنترل و آزمایش

ابعاد سازگاری زناشویی	شاخص‌های آماری		مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	میزان تأثیر (مجذورات)	توان آماری
	منبع محاسبه	توان آماری							
توافق دو نفری	پیش‌آزمون	۳۹۰۹/۳۵	۱	۳۹۰۹/۳۵	۳۹۲۵/۲۴	۰/۰۰۱	۰/۹۸۶	۱/۰۰۰	
	عضویت گروهی	۹۶/۹۵	۱	۹۶/۹۵	۹۷/۳۴	۰/۰۰۱	۰/۶۳۹	۱/۰۰۰	
ابراز محبت	پیش‌آزمون	۲۷۴/۶۰	۱	۲۷۴/۶۰	۲۷۴/۶۰	۰/۰۰۱	۰/۹۴۵	۱/۰۰۰	
	عضویت گروهی	۲۹/۴۰	۱	۲۹/۴۰	۱۰۰/۶۸	۰/۰۰۱	۰/۶۴۷	۱/۰۰۰	
رضایت زناشویی	پیش‌آزمون	۱۳۱۵/۱۹	۱	۱۳۱۵/۱۹	۳۳۶۹/۴۹	۰/۰۰۱	۰/۹۸۴	۱/۰۰۰	
	عضویت گروهی	۸۸/۷۲۰	۱	۸۸/۷۲۰	۲۲۷/۲۹	۰/۰۰۱	۰/۸۰۵	۱/۰۰۰	
همبستگی دو نفری	پیش‌آزمون	۱۰۴۴/۵۳	۱	۱۰۴۴/۵۳	۲۸۵۳/۸۲	۰/۰۰۱	۰/۹۸۱	۱/۰۰۰	
	عضویت گروهی	۴۵/۱۹۰	۱	۴۵/۱۹۰	۱۲۳/۴۶	۰/۰۰۱	۰/۶۹۲	۱/۰۰۰	

همان‌طور که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود میانگین نمرات سازگاری زناشویی در چهار بعد توافق دو نفری ($p \leq 0/001$) ابراز محبت ($p \leq 0/001$) رضایت زناشویی ($p \leq 0/001$) همبستگی دو نفری ($p \leq 0/001$) در گروه آزمایش به طور معناداری بیشتر از گروه کنترل است بنابراین فرضیه مذکور در سطح $p \leq 0/001$ تأیید می‌شود. طبق جدول ۵ میزان تأثیر توافق دو نفری در گروه آزمایش ۶۳٪ است یعنی ۶۳ درصد تفاوت‌ها در توافق دونفری در نمرات پس‌آزمون رضایت زناشویی مربوط به تأثیر آموزش معنویت بوده است. همچنین میزان تأثیر ابراز محبت در گروه آزمایش ۶۴٪ است یعنی ۶۴ درصد تفاوت‌های فردی در ابراز محبت در نمرات پس‌آزمون رضایت زناشویی مربوط به تأثیر آموزش معنویت بوده است. همچنین میزان تأثیر رضایت زناشویی در گروه آزمایش ۸۰٪ است یعنی ۸۰ درصد تفاوت‌های رضایت زناشویی در نمرات پس‌آزمون رضایت زناشویی مربوط به تأثیر آموزش معنویت بوده است. همچنین میزان تأثیر همبستگی دو نفری در گروه آزمایش ۶۹٪ است، یعنی ۶۹ درصد تفاوت فردی همبستگی دو نفری در نمرات پس‌آزمون رضایت زناشویی مربوط به تأثیر آموزش معنویت بوده است. توان آماری برابر ۱ است یعنی امکان خطای نوع دوم وجود نداشته است.

جدول ۶. خلاصه نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیره مربوط به نمرات ابعاد سازگاری زناشویی زوجین در دو گروه آزمایش و کنترل به جنسیت تعامل جنسیت و گروه

شاخص‌های آماری ابعاد سازگاری	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F ^۳	سطح معناداری	توان آماری
توافق دو نفره	۰/۴۷	۱	۰/۴۱۷	۰/۰۰۶	۰/۹۳۹	۰/۰۵۱
ابراز محبت	۳/۲۶۷	۱	۳/۲۶۷	۰/۶۲۹	۰/۴۳۱	۰/۱۲۲
رضایت زناشویی	۲/۴۰۰	۱	۲/۴۰۰	۰/۱۰۱	۰/۷۵۲	۰/۰۶
همبستگی دو نفری	۵/۴۰	۱	۵/۴۰	۰/۲۸۴	۰/۵۹۲	۰/۰۸۲

جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که اثر متقابل جنسیت و عضویت گروهی به نمرات ابعاد سازگاری زناشویی زوجین در هر یک از ابعاد (توافق دو نفره ($P=0/93$))، ابراز محبت ($P=0/431$)، رضایت زناشویی ($P=0/752$) و همبستگی دونفری ($P=0/592$)

معنادار نیست. به عبارت دیگر آموزش معنویت در هیچ‌یک از ابعاد تحت تأثیر جنسیت قرار نداشته است، و تأثیر آن در زنان و مردان تفاوت معنادار نداشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

از آنجا که تاکنون پژوهشی تحت این عنوان، تأثیر آموزش معنویت بر سازگاری زوجین در ایران صورت نگرفته است، از این‌رو در تبیین یافته‌ها سعی شده تا به نزدیک‌ترین تحقیقات با موضوع حاضر اشاره گردد. نتایج نشان داد که آموزش معنویت در افزایش سازگاری زوجین در پس‌آزمون مؤثر بوده است ($p=0/000$). در مورد زیر مقیاس‌های سازگاری زناشویی، نتایج نشان داد که آموزش معنویت بر توافق دو نفری ($f=97/34$ و $p=0/000$)، ابراز محبت ($f=100/68$ و $p=0/000$)، رضایت زناشویی ($f=227/29$ و $p=0/000$) و همبستگی دو نفری ($f=123/46$ و $p=0/000$) معنادار می‌باشد. یافته‌های حاضر با نتایج پژوهش‌هایی چون دانش (۱۳۸۱)؛ وندل^۱ (۲۰۰۳)؛ ماهنی و همکاران^۲ (۲۰۰۳)؛ گیدر^۳ (۲۰۰۶)؛ پرون، وب و همکاران^۴ (۲۰۰۶)؛ کوتون، زبراکي و رزنتال^۵ (۲۰۰۷)؛ دادیچ^۶ (۲۰۰۷) تا حدودی هم‌خوانی دارد برای مثال وندل (۲۰۰۳) نقش مذهب را در خانواده‌درمانی مورد بحث قرار داده است. وی چنین نتیجه‌گیری کرد که مذهب شیوه‌ای از درمان آسیب‌هاست و بهترین روش برای کوتاه شدن دوره درمان بیماران است. وی مدعی است کاربرد مذهب و معنویت در خانواده‌درمانی و زوج‌درمانی لازم‌الاجرا است. در تحقیق حاضر نیز اثربخشی آموزش معنویت بر سازگاری زناشویی نشان داده شد، بدین معنا که با آموزش معنویت می‌توان سازگاری زناشویی را ارتقا داد. در تحقیقی دیگر ماهنی و همکاران (۲۰۰۳) به بررسی نقش سازه‌های دوری و نزدیکی مذهبی در کنش‌های زناشویی پرداختند. نتایج حاکی از

1. Wendel.
2. Mohoney, Pargament, Jewell, Swank, Scotte, Emery, & Rye.
3. Gwyther.
4. Perron & Web.
5. Catton, Zabercki & Rosental.
6. Dadich.

آن بود که هم در زنان و هم در مردان متغیرهای سازه‌های نزدیکی به مذهب مستقیمی در انسجام ازدواج منعکس شده و با سازگاری کلی‌تر در ازدواج، منافع دریافتی، تعارضات زناشویی کمتر، همکاری و نزدیکی کلامی بیشتر، استفاده کمتر از پرخاشگری کلامی و به بن‌بست نرسیدن در مواقع عدم توافق، همبستگی دارد در پژوهشی دیگر گیدر (۲۰۰۶) نقش معنویت را در بهبود شرایط خانواده مورد بررسی قرار داد. وی بیان می‌دارد که معنویت، ایمان و مذهب به خانواده‌های ناتوان و مشکل‌دار کمک می‌کند تا معنا و هدفی در زندگی پیدا کنند و معنویت را پشتوانه‌ای برای هویت و پایه‌ای برای مقابله با تغییرات، فقدان و محدودیت‌ها قرار می‌دهند. پرون، وب و همکاران (۲۰۰۶) ارتباط معنویت با نقش‌های خانوادگی و نقش‌های فرد در کار و رضایت زناشویی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد که بهزیستی وجودی و رضایت زناشویی، به‌طور معناداری با داشتن اعتقادات معنوی ارتباط دارند. کوتون زبراکسی و زنتال (۲۰۰۷) ادغام معنویت را در خانواده‌درمانی و آموزش خانواده مورد بررسی قرار دادند. نمونه انتخابی آنها خانواده‌درمانگران و زوج‌درمانگران یک کلینیک بودند. نتایج پژوهش آنها نشان داد معنویت در زندگی فردی اعضای کلینیک، در کار بالینی آنها و در آموزش خانواده زوجین اهمیت بسیار دارد. در پژوهشی دیگر دادیچ (۲۰۰۷) به بررسی بین سلامت معنوی و سلامت ذهنی پرداخت؛ نمونه پژوهش شصت و پنج زوج بودند که به مراکز درمانی مراجعه کرده بودند. نتایج پژوهش نشان داد که بین سلامت ذهنی و مسائل معنوی ارتباط وجود دارد. در تبیین این نتایج می‌توان گفت، در زوجین سازگار، زوجین توانایی مقابله مؤثر با چالش‌ها و تعارضات را دارند، با مشکلات و مسائل غیرمنتظره می‌توانند کنار بیایند، قادر به کمک به یکدیگر هستند و هنگام مقابله با مشکلات به‌طور مؤثری با یکدیگر همکاری می‌کنند در آموزش معنویت به زوجین کمک شد تا با خودشناسی معنوی بتوانند عزت‌نفس خانواده خود را به عنوان یک گروه بالا ببرند. همچنین، توکل به خدا و داشتن امید در کلیه مراحل زندگی به عنوان مؤلفه معنویت به زوجین آموزش داده شد که بتوانند معنایی را در رنج و سختی پیدا کنند. بنابراین وقتی زن و شوهر دچار مشکلات مختلف می‌شوند عزت‌نفس خود را حفظ

کرده، امید خویش را از دست نمی‌دهند و با توکل به خدا سعی می‌کنند بتوانند معنایی در رنج و مشکلی که درگیر آن شده‌اند بیابند و با موفقیت آن را حل کنند. همچنین در خانواده‌هایی که حال و هوایی مثبت و مطلوب حاکم است، ارتباط زوجین با یکدیگر کاملاً باز است. منظور از ارتباط باز این است که زوجین می‌توانند صراحتاً عقاید خود را بیان کنند و آنها در ارتباط با یکدیگر صریح و رُک هستند، در این خانواده‌ها زوجین وقت زیادی را به گوش کردن به صحبت‌های یکدیگر اختصاص می‌دهند و با هم صادق هستند. از طرفی از جمله مؤلفه‌هایی که در آموزش معنویت مورد تأکید قرار گرفت نوع دوستی، بخشش، توجه به اخلاقیات و خودشناسی معنوی است، هر کدام از این مؤلفه‌ها در ارتباط زوجین باهم تأثیرگذار است. این مؤلفه‌ها همچنین به زوجین کمک می‌کند تا تفاوت در سلیقه‌های خود را بپذیرند و با آن سازگار شوند، روابط مناسبی با اقوام و دوستان داشته باشند و صله رحم را در برنامه زندگی خود جای دهند و همچنین بتوانند تعارضات بین خود و همسر را به خوبی حل کنند، برای درآمد و هزینه‌های خود برنامه‌ریزی کنند و بالأخره روابط جنسی رضایت‌بخشی داشته باشند. با توجه به تحقیقات صورت گرفته در خارج از کشور و در داخل کشور و با در نظر گرفتن لزوم پرداختن به این شیوه آموزشی در کنار سایر روش‌ها و با علم به پایداری اعضای جامعه ما به اصول معنوی، لازم است پژوهش‌های وسیعی در این زمینه صورت گیرد. پیشنهاد می‌شود فنون و روش‌های کاربردی این آموزش توسط مشاوران خانواده برای بهبود سازگاری زناشویی و بهبود ارتباط زوجین استفاده شود. از آموزش معنویت می‌توان در جلسات آموزش قبل از ازدواج، آموزش خانواده، کارگاه آموزشی استفاده نمود.

منابع

- احمدی، خ؛ ع. فتحی آشتیانی و ش. نوابی نژاد (۱۳۸۴)، «بررسی عوامل زمینه‌ای، فردی و ارتباطی دوجانبه‌ای مؤثر بر سازگاری زناشویی»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱ (۳)، ۲۳۱-۲۳۷.
- احمدی‌نوده، خدابخش؛ علی فتحی آشتیانی و علیرضا عرب‌نیا (۱۳۸۵)، «بررسی رابطه بین تقیدات مذهبی و سازگاری زناشویی»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۲ (۵): ۶۷-۵۵.
- اولیاء، ن. (۱۳۸۵)، *بررسی تأثیر آموزش غنی‌سازی زندگی زناشویی بر افزایش رضایتمندی زوجین شهر اصفهان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- پیرمرادی، س. (۱۳۷۹)، *مفاهیم و تئوری‌های کلیدی در خانواده‌درمانی*، اصفهان، همام.
- دانش، ع. (۱۳۸۱)، «تأثیر خودشناسی اسلامی در افزایش سازگاری زناشویی»، *فصلنامه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۳ (۱۱) ۶۸-۳۸.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۶)، *تفسیر المیزان*، ج ۱۱، قم؛ مؤسسه نشر اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۶)، *بحار الانوار*، تهران، دارالکتب الاسلامی، بی‌تا.
- نجاتی، محمدعثمان (۱۳۶۸)، *قرآن و روان‌شناسی*، ترجمه عباس عرب، مشهد، بنیاد نشر پژوهش‌های اسلامی.
- وست، ویلیام (۱۳۸۷)، *روان‌درمانی و معنویت*، ترجمه شهریار شهیدی، سلطانه‌علی شیرافکن، تهران، رشد.
- هاشمیان، ک؛ امیری، ر. (۱۳۸۶)، «رابطه عمل به باورهای دینی و میزان صمیمیت زنان دانشجویی تهرانی با همسرانشان»، *فصلنامه مطالعات جوانان*، ۹ ص ۵۵.
- الیس، آلبرت (۱۳۷۵)، *زوج‌درمانی*، ترجمه صالحی فدردی، امیرامین یزدی، تهران، نشر میثاق.

- Catton, S., & Zabercki. (2007) Religion /spirituality in family therapy. *Journal Adolesc Health*, 39, 452-465.
- Dadich, A. (2006). Is spirituality important to young people in recovery ? In sights from participant of self -help support group. *southern Medical Journal*, 100 (4) , 422-425.
- Filsinger, E. ,& Wilson, M.R. (1984). Religiosity, socioeconomic rewards, and family development. *Journal of Marriage and the family*, 8, 663-670
- Gruner, L. (1985). The correlation of private, religious devotional practices and marital adjustment. *Journal of Cooperative Family Studies*. 16, 1, 47 – 577.
- Gwyther, L. P. (2006). Spirituality and caring for older family members. *southern Medical Journal*, 99 (10), 1080-1081.
- Johnson, M. P. (1999). *Personal, moral, and structural commitment to relationship: experiences of choice and constraint* in hand book of inter personal commitment and relation ship stability. J. M. Adams and W. H. Jones, eds. 73-87. New York.
- Larson, G. K. & Olson, D. H. (2004). Spiritual beliefs and marriage: a national survey based on Enrich. *The family Psychologist*, 20 (2), 4-8.
- Marsh, R., & Dallos, R. (2001). *Roman Catholic couples: wrath and religion*. Fam Process. Fall, 40 (3), 343-60.
- McNulty, K. & Others. (2004). Percieved uncertainty, spiritual well-being and psychological adaptation in individuals with multiple sclerosis. *Journal of Family Psychology*, vol 13, issue 3 – 17.
- Mohoney, A., Pargament, K. L., Jewell, T., Swank, A. B., Scotte, E., Emery, E., & Rye, M. (2003). The role of proximal distal religious constructs in marital functioning. *Journal of family psychology*, 13 (3), 321-338.
- Perron, K. M., Web, L. K., Wright, S. L., & Jackson, Z. V. (2006). Relationship of spirituality to work and family roles and life satisfaction among gifted adult. *Journal of mental Health Counseling*, 28 (3), 253-268.
- Seligman, M. (2002). *Authentic happiness*. New York: Free press Thorne, B. (1998) *Person-centered counseling and Christian Spirituality: the Secular and the holy* Landon.
- Sullivan, K. T. (2001). *Understanding the relationship between religiosity and marriage: an investigation of the immediate and longitudinal effects of religiosity on newlywed couples*, J Fam Psychol. 15 (4), 610-26.
- Wendel, R. (2003). *Lived religion and family therapy: what does spirituality have to do with it?* Family process, 42 (1), 165-179.